شیعه از نگاه فاطمه(س)

فرشته محیطی

هر کسی اگر ادعایی داشته باشد باید آن را اثبات کند. کسی که مدعی محبت و مودت اهل بیت عصمت و طهارت(ع) و شیعه آنان است، باید این ادعا را با عملش به اثبات برساند. فاطمه(س) خود را شیعه امیرمومنان علی(ع) می‌داند، از همین رو در قول و فعلش نشـــان می‌دهد تا چه‌اندازه پیرو است و در همین راه نیز به شهادت می‌رسد و نخستین شهید راه ولایت می‌شود. نویسنده با مراجعه به سنت و سیره آن حضرت حقیقت شیعه بودن از منظر حضرت فاطمه(س) را تبیین کرده است.

در مقام حمایت از ولایت

حضرت فاطمه(س) بـــه حکم وظیفه و تکلیف الهی، خود را موظف می‌دانست تا در کنار ولایتی بماند که آن را استمرار رسالت پیامبران و از جمله رسول‌الله (ص) می‌دانست. حمایـــت آن حضـــرت(س) از امیرمومنان علی(ع) نه به عنوان حمایت از شـــوهر بلکه حمایت از ولایت و امامت بود.

آن حضـــرت(س) برای حمایت از ولایت و امامت امیرمومنان علی(ع) که به صراحت از ســـوی خداوند (مائده، آیـــات ۳ و ۵۵ و ۶۷؛ نســـاء، آیه ۵۹) نصب شـــده و از سوی پیامبر(ص) در غدیر خم پس از حجه الوداع معرفی شـــده بودند، مدت‌ها به خانه انصار و مهاجران می‌رفـــت و آنان را به حمایت از پیمانی که با پیامبر(ص) و خدا در غدیر خم بسته بودند، دعوت می‌کرد.

آن حضرت(س) مدت چهل شـــبانه‌روز برای اتمام حجت به در خانه‌های مردم مدینه و به ویژه سران رفت و در مسجد خطبه خواند و در مراسم عزاداری پیامبر(ص) ضمن گریه به خداوند از مـــردم مدینه و غصب خلافت شکایت برد و نفرین و لعن نمود و عدم رضایت خود را از غاصبان خلافت به طور رســـمی و علنی اعلام کرد.(صحیح مسلم: ج ۲، ص ۷۲، صحیح بخاری: ج ۶، ص ۱۷۶؛ اصول کافی: ج ۱، ص ۴۶۰؛ بحارالا نوار: ج ۲۸، ص ۳۰۳، صحیح بخاری: ج ۵، ص ۵)

او حتی اجازه نمی‌دهد تا کسی در مراسم خاکسپاری‌اش شرکت کند؛ زیرا اهل مدینه بر خلاف عهدی که با خدا و پیامبر(ص) بسته بودند، به حمایت از امام و ولی‌الله(ع) نیامدند و حتی کمک به غصب خلافت کردند. ایشان می‌فرماید: لاتُصَلّی عَلَیّ اُمّة نَقَضَتْ عَهْدَالله وَ عَهْدَ ابی رَسُـــولِ اللهِ فی امیرالْمُؤمنینَ عَلیّ، وَ ظَلَمُـــوا لی حَقّی، وَاءخَـــذُوا إ رْثی، وَخَرقُوا صَحیفَتـــی اللّتی کَتَبها لی ابی بِمُلک فَدَک؛ افـــرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علیّ(ع) شکستند و در حقّ من ظلم کرده و ارثیّه‌ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگزارند.(بیت الا حزان: ص ۱۱۳، کشف الغمّة: ج ۲، ص ۴۹۴)

این سبک و سیره فاطمی(س) به شیعیان او می‌آموزد که دفاع از ولایت تا مرز شهادت امری ضروری و لازم است و کسی نمی‌تواند مدعی شـــیعه‌گری باشد در حالی که نسبت به ولایت کوتاهی می‌کند.

حضـــرت فاطمه(س) در بیـــان تولی و تبـــری به عنوان یک اصل اساســـی در دین اسلام خطاب به مردم، ویژگی شیعه بودن را روشن می‌کند و سپس به آنان بشارت بهشت را می‌دهد و می‌فرماید: شیعَتُنا مِنْ خِیارِ اهْلِ الْجَنّة وَکُلّ مُحِبّینا وَ مَوالی اَوْلیائِنا وَ مُعادی اعْدائنا وَ الْمُسْلِمُ بِقَلْبِهِ وَ لِسانِهِ لَنا؛ شیعیان و پیروان ما و همچنین دوستداران اولیای ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند و آنهایی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود.(بحارالا نوار: ج ۶۸، ص ۱۵۵، س ۲۰، ح ۱۱)

اگـــر بخواهیم شـــیعه فاطـــمه(س) باشیـــم باید به دستورهای ایشان پایبند باشیم. آن حضرت (س) خود می‌فرماید: اگر آنچه را که ما اهل بیت دســـتور داده‌ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده‌ایـــم خودداری کنـــی، تو از شـــیعیان ما هستی وگرنه، خیر.

در حقیقت شـــیعه فاطمه بودن منوط و مشروط به تولی و تبری است؛ چنان‌که اهل توحید بودن منوط به آن اســـت؛ زیرا انسان باید نخست از هر گونه معبودان تبری جوید و سپس به اثبات و تولی‌الله بپردازد؛ اگر در قلب کسی غیر خدا جا گرفته باشد، جایی برای خدا باقی نمی‌ماند. از همین رو خداوند رستگاری را به تبری از غیر خدا و تولی به خدا دانسته و از زبان پیامبر(ص) می‌فرماید: قولوا لا اله الا الله تفلحوا. پس شرط شیعه فاطمی بودن آن است که نخست از دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) تبری جســـته و سپس تولی و ولایت آنان را به گردن گیریم.

حفاظت از منزلت زن

شاید حضرت فاطمه(س) تنها شخصی از اهل عصمت و طهارت(ع) باشد که از جنس زنان است؛ زیرا بقیه چهارده معصوم(ع) همه از مردان هســـتند. از این رو، مســـئولیت آن حضـــرت(س) در تبیین منزلـــت و مقام زن بسیار سخت‌تر است.

همان طوری که خداوند در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم حضرت مریم(س) و آسیه همسر فرعون (س) را به عنوان دو سرمشق برای همه مومنان معرفی می‌کند؛ زیرا آنان در مقام دفاع از ولایت و حمایت از عفت و حیا شرایط سختی را گذرانیده و حتی آســـیه در دفاع از ولایت و رسالت به شهادت رسید، حضرت فاطمه(س) نیز الگوی همه مومنان از جنس مرد و زن اســـت؛ اما با توجه به ویژگی زنانگی اش مســـئولیت او مضاعف بوده است؛ چنان‌که مسئولیت ایشان به اعتبار انتساب به بیت نبوت و رسالت بسیار سخت و مضاعف بوده و خداوند به صراحت آن را در آیاتی از جمله ۳۰ و ۳۱ سوره احزاب بیان کرده است.

شـــیعه فاطمه (س) باید سبک زندگی ایشان را سرمشـــق قرار دهد و در این میان زنان باید از سبک زندگی فاطمه(س) به تمام و کمال سرمشـــق گیرند و او را اسوه حسنه خویش قـــرار دهند؛ زیرا میان فاطمه(س) و زنان در این مسئله جنسیت،تناسب و اشتراکی وجود دارد و باعث می‌شود زنان به آسانی از ایـــن زن معصوم(احزاب، ایه ۳۳) سرمشـــق گیرند بی‌آنکه احتمال خطا و اشتباه در فکر و قول وعمل آن حضرت(س) را بدهند؛ چرا که عصمت ایشـــان موجب می‌شود که همه اعمال وافکار ایشان قرآنی باشد.

ایشان در بیان برترین زنان می‌فرماید: خَیْرٌ لِلنّســـاءِ انْ لایَرَیْنَ الرِّجالَ وَلایَراهُنّ الرِّجالُ؛ بهترین چیز برای حفظ شخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد. (بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۵۴، ح ۴۸)

این سخن حضرت فاطمه(س) برگرفته از قرآن است و در آیه ۵۹ سوره احزاب بیان شده است. در روایات است که خود آن حضرت(س) این‌گونه عمل می‌کرد. روزی مرد نابینائی وارد منزل شد و حضرت زهراء (س)پنهان گشت، وقتی رســـول خدا (صلّی الله علیه و آله) علّت آن را جویا شد. در پاسخ پدر اظهار داشت:إنْ لَمْ یَکُنْ یَرانی فَإنّی اراهُ، وَ هُوَ یَشُـــمُّ الریح؛ اگر آن نابینـــا مرا نمی بیند، مـــن او را می‌بینم، دیگر آنکه مرد، حسّـــاس اســـت و بوی زن را استشـــمام می‌کند. (بحارالانـــوار: ج ۴۳، ص ۹۱، ح ۱۶، إحقـــاق الحقّ: ج ۱۰، ص ۲۵۸) حضرت فاطمه(س) در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن ســـفارش به اســـماء بنت عمیس فرمود: إنّی قَدِ اسْـــتَقْبَحْتُ ما یُصْنَعُ بِالنّساءِ، إنّهُ یُطْرَحُ عَلیَ الْمَرْئَة الثّوبَ فَیَصِفُها لِمَنْ رَاءی، فَلا تَحْمِلینی عَلی سَـــریرٍ ظاهِرٍ، اُسْـــتُرینی، سَـــتَرَکَ اللهُ مِنَ النّارِ؛ منّ بسیارٌ زشت و زننده می‌دانم که جنازه زنان را پس از مـــرگ با انداختن پارچـــه‌ای روی بدنش تشییع می‌کنند و افرادی اندام و حجم بدن او را مشـــاهده کرده و بـــرای دیگران تعریف می‌نمایند. مرا بر تخت که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن، خداوند تو را از آتش جهنّم مســـتور و محفوظ کند. (تهذیب الا حکام: ج ۱، ص ۴۲۹، کشف الغمّة: ج ۲، ص ۶۷، بحار:ج ۴۳، ص ۱۸۹،ح ۱۹)

آن حضـــرت(س) چنان مقام زن به ویژه مادران را متعالی می‌دانست که همگان و از جملـــه مردان را به مراعـــات و خدمت مادر می‌خواند و می‌فرمود: اَلْزَمْ رِجْلَها، فَإنّ الْجَنّة تَحْتَ اقْدامِها، و الْزَمْ رِجْلَها فَثَمّ الْجَنّة؛ همیشه در خدمت مادر و پای‌بند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن،نعمت‌های بهشتی خواهد بود. (کنز العمّال: ج ۱۶، ص ۴۶۲، ح ۴۵۴۴۳)

در حقیقت توصیه ایشـــان درباره مادر بر اساس آموزه‌های قرآنی از جمله آیات احسان و اکرام به والدین(بقره، آیه ۸۳؛ نساء، آیه ۳۶؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ اســـراء، آیه ۲۳) و به ویژه آیه ۱۸۵ سوره اعراف و آیه ۱۴ سوره لقمان و ۱۵ ســـوره احقاف اســـت که از سختی بارداری و آبستنی مادر و زحماتی سخن به میان می‌آورد که حمل و زایمان بر مادران تحمیل می‌کند.

حضرت فاطمه(س) در راســـتای حفاظت از کانـــون گرم خانـــواده ســـفارش‌هایی را به زنـــان دارد کـــه از جملـــه آنهـــا در چارچوب شـــوهرداری نیک که جهاد زن به شمار می‌آید (الکافی، جلد ۵، صفحه ۹)، در قالب نکته‌ای از زندگی خویش، خطاب به همسرش امیرالمؤمنین علیّ(ع)می فرماید: یا اَبَا الحَسَن! إنّی لاسْتَحی مِنْ إلهی انْ اکَلِّفَ نَفْسَکَ مالاتَقْدِرُ عَلَیْهِ؛ من از خدای خود شرم دارم که از تو چیزی را درخواست کنم که تو توان تهیه آن را نداشته باشی. (امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۲۸)

فاطمه(س) با اشـــاره به محبوب‌های خود در دنیا به ما می‌آموزد که نباید اموری چون تفاخر و تکاثر و پول و ثروت و قدرت، محبوب ما شود، بلکه باید محبوب‌های دنیوی خـــود را اموری قرار دهیم که آخـــرت ما را آباد می‌کند. ایشان می‌فرماید: ســـه چیز از دنیا برای من دوســـت داشـــتنی است: تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا، انفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا.

پس شـــیعه فاطمه (س) این‌گونه عمل می‌کند و شـــوهر خویش را بـــه امری وادار نمی‌کند که توان آن را ندارد یا موجب می‌شود تـــا به رنج و تکلف افتد تا نیاز همســـرش را تامین کند.

آموزه‌های عبادی

آن حضرت(س) به همه ابعاد زندگی بشر توجه داشته است.

از جمله در مســـائل عبادی آنچه را خود انجام مـــی‌داد به دیگران ســـفارش می‌کرد و مـــردم را به تقوا و عمـــل صالح و اخلاص در عمل دعوت می‌کرد.ایشـــان در ســـخنی می‌فرماید: مَنْ اصْعَدَ إلیَ اللهِ خالِصَ عِبادَتِهِ، اهْبَـــطَ اللهُ عَزّوَجَلّ لَهُ افْضَـــلَ مَصْلَحَتِهِ؛ هر کس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خـــدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت‌ها و بـــرکات خـــود را برای او تقدیـــر می کند. (بحار: ج ۶۷، ص ۲۴۹، ح ۲۵)

فاطمه(س) با اشاره به محبوب‌های خود در دنیا به ما می‌آموزد که نباید اموری چون تفاخر و تکاثر و پول و ثروت و قدرت، محبوب ما شود(آل عمران، آیه ۱۴؛ حدید، آیه ۲۰)، بلکه باید محبوب‌های دنیوی خود را اموری قرار دهیم که آخرت ما را آباد می‌کند. ایشان می‌فرماید: حُبّبَ إلَیّ مِنْ دُنْیاکُمْ ثَلاثٌ: تلاوَة کِتابِ اللهِ، وَالنّظَرُ فی وَجْهِ رَسُولِ‌اللهِ، وَالاْنْفاقُ فی سَـــبیلِ اللهِ؛ ســـه چیز از دنیا برای من دوست‌داشتنی اســـت: تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا، انفاق و کمک به نیازمندان در راه خدا.(وقایع الایام- ص ۲۹۵)

این محبت به رســـول‌الله (ص) امروز نیز می‌تواند در قالب صلوات و سلام بر پیامبر(ص) تحقق یابد؛ زیرا حضرت فاطمه(س) می‌فرماید: مَنْ سَـــلّمَ عَلَیْهِ اَوْ عَلَیّ ثَلاثَةَ ایّام اوْجَبَ اللهُ لَهُ الجَنّة، قُلْتُ لَها: فـــی حَیاتِهِ وَ حَیاتِکِ؟ قالَتْ: نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنا؛ هر که بر پدرم رســـول خدا و بر من به مدّت ســـه روز سلام کند خداوند بهشـــت را بـــرای او واجب مـــی گرداند، چه در زمـــان حیات و یا پس از مرگ ما باشـــد. (بحارالا نوار: ج ۴۳، ص ۱۸۵، ح ۱۷)

بســـیاری از مردم عبادت را به درســـتی انجام نمی‌دهنـــد؛ زیرا فاقد شـــرایط قبولی است؛ هر چند که دارای شرائط صحت است؛ مثلا اخـــلاص و تقوا در عمل وجود دارد ولی شخص عامل،مخلص و متقی نیست؛ در حالی که شرط قبولی، مخلص و متقی بودن است. (مائده، آیه ۲۷)

یا شخص جلوی شکم خویش را در روزه می‌گیرد و نمی‌خورد و نمی‌آشامد ولی جلوی اعضای دیگر را نمی‌گیرد و امســـاک زبانی و نگاهـــی و مانند آن نـــدارد و دروغ می‌گوید و غیبت می‌کند و چشـــم چرانی و زنای چشم انجام می‌دهـــد. آن حضرت (س) در این باره می‌فرماید: ما یَصْنَعُ الصّائِمُ بِصِیامِهِ إذا لَمْ یَصُنْ لِسانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوارِحَهُ؛روزه داری که زبان و گوش و چشـــم و دیگر اعضاء و جوارح خود را کنترل نکند هیچ سودی از روزه خود نمی برد.(مستدرک الوسائل: ج ۷، ص ۳۳۶، ح ۲، بحارالا نوار: ج ۹۳، ص ۲۹۴، ح ۲۵)

بهره‌مندی از شفاعت فاطمه(س)

اگـــر کســـی این‌گونـــه در چارچوب‌های ترســـیمی آن حضرت(س) که اصول قرآنی و وحیانی اســـت زندگی کند، به فلسفه زندگی قرآنی دست می‌یابد و در قیامت نیز از شفاعت آن حضرت(س) بهره‌مند خواهد شد.

پس اگر بخواهیم شیعه فاطمه(س) باشیم باید به دســـتورهای ایشـــان پایبند باشیم. آن حضرت(س) خـــود می‌فرماید: إنْ کُنْتَ تَعْمَلُ بِما امَرْناکَ وَ تَنْتَهی عَمّا زَجَرْناکَ عَنْهُ، فانْتَ مِنْ شـــیعَتِنا، وَ إلاّ فَلا؛ اگر آنچه را که ما اهل بیت دستور داده‌ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده‌ایم خودداری کنی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر.(تفسیر الا مام العسکری: ص ۳۲۰،ح ۱۹۱)

در این صورت است که در دنیا و آخرت از شفاعت آن حضرت(س) بهره خواهیم برد. ایشان در دعاهای خویش برای شیعیان دعا می‌کند و می‌فرماید: إلهی وَ سَیّدی، اسْئَلُکَ بِالّذینَ اصْطَفَیْتَهُمْ، وَ بِبُکاءِ وَلَدَیّ فی مُفارِقَتی اَنْ تَغْفِـــرَ لِعُصاة شـــیعَتی، وَشـــیعَة ذُرّیّتی؛ خداوندا، به حـــقّ اولیاء و مقرّبانی که آنها را برگزیـــده‌ای، و به‌گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان، از تو می خواهم گناه خطاکاران شـــیعیان و پیروان ما را ببخشی. (کوکب الدّریّ: ج ۱، ص ۲۵۴)

در آخـــرت نیز خـــود می‌فرماید که به کمک شـــیعیان آمـــده و شـــفاعت آنان را می‌کند، چنان‌که فرموده است: إذا حُشِرْتُ یَوْمَ الْقِیامَة، اشْفَعُ عُصاة اُمّةِ النّبیّ؛ هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم، خطاکاران امّت پیامبر(ص)را شفاعت می کنم. (خصـــال: ج ۱، ص ۱۷۳؛ احتجـــاج: ج ۱، ص ۱۴۶)

امر به معروف شاخصه جامعه برتر

محمدمحسن مددی

در نوشـــتار حاضر موضوع امر به معروف به عنوان یکی از شاخصه‌های جامعه برتر و جایگاه آن در اســـلام و برخی آثار این فریضه فوق‌العاده مهم تبیین شده است.

***

عرف و معروف در آموزه‌های قرآنی

معروف هر کاری اســـت کـــه عقل و یا شرع آن را نیکو و پســـندیده برمی‌شمارد. (مفردات راغب اصفهانی) عرف و معروف به معنای پسندیده و امور نیکویی است که از نظر حکم عقل و یا حکم عقلا(عرف مردم) و یا حکم شرع مورد تایید قرار گرفته باشد. از این‌رو از نظر وسعت می‌تواند فراتر از امور واجب و یا مســـتحبی باشد که شارع آن را به حکم مصالح تایید کرده اســـت. علاوه بر واجب و مســـتحب امور دیگـــری نیز وجود دارد که عقل بشـــر و یا عقلا به آن می‌رسد و آن را دارای مصالح می‌یابد و مورد تایید و تاکید قرار می‌دهد. بنابراین اموری که صالح و نیکو شمرده می‌شود اختصاص به واجبات و مستحبات ندارد بلکه شامل امور صالح عقلی و یا عقلایی می‌شود که برخی از آنها به عنوان امور امضایی مورد تاکید شـــارع قرار گرفته اســـت و به عنوان واجبات و یا مســـتحبات عمل به آن ترغیب شده است.

به ســـخن دیگر، معروف در کاربردهای قرآنی دربرگیرنده همه اموری می‌شـــود که عقل به حکم اســـتقلالی و یا عقلا به عنوان انســـان‌های سالم بر پایه فطرت خویش و یا شـــارع به دلیلی که عقل بشـــر و یا گرایش فطری عقلا بدان نرســـیده اســـت حکم به پســـندیده بودن و نیکویی آن کرده است. بنابراین هرگاه قرآن از معروف سخن می‌گوید تنها اختصاص به حکم شرعی و امور واجب و یا مستحب ندارد بلکه همه اموری را شامل می‌شود که عقل بشر بدان دست می‌یابد و یا خردمندان به حکم فطرت ســـالم خویش بـــدان گرایش و میل دارند و آن را مصلحت می‌یابند. این نگرش قرآن نسبت به مسئله معروف از آن رو انجام می‌گیرد که اسلام به حکم عقل و گرایش عقلای سالم و برخوردار از فطرت سالم و پاک اهتمام می‌ورزد و به آن ارزش و اعتبار خاصی قائل می‌شود.

قرآن از مردمان می‌خواهد که خود اهل معروف باشـــند؛ به این معنا که خود بر پایه حکم شرع و حکم عقل و سیره عقلایی عمل کـــرده و از آن تخطـــی نکنند. این به جنبه هنجاری و رفتـــاری و اخلاقی بازمی‌گردد. بنابراین حکم نخســـت قرآن ناظر به جنبه اخلاقی و حتی اخلاق فردی اســـت. به این معنا که عمل به معروف از سوی هر انسانی را به عنوان فضیلت اخلاقی می‌ســـتاید و از انســـان‌ها می‌خواهد که خـــود را متخلق به اخلاقی چنین کنند.

در مرحله دیگـــر گام را فراتر نهاده و از آنـــان می‌خواهد که به جنبه حقوقی آن نیز توجه داشته باشند و به عنوان یک قانون آن را در جامعـــه عمل کنند. از این‌رو نگاه قرآن به مسئله به شکل امر حقوقی خود را نشان می‌دهد و عمل به هنجارها و پســـندیده‌ها و نیکویی‌ها در جامعه مورد تشویق و ترغیب قرار می‌گیرد.

در مرحله ســـوم نه تنها به عنوان امری اخلاقـــی و یا حقوقی بلکه بـــه عنوان امری قانونی مـــورد توجه قرار گرفتـــه و از مردم خواسته شده اســـت تا به معروف به عنوان قانونی اجتماعـــی توجه کنند و نه‌تنها خود بدان عمل کنند بلکـــه دیگران را به عنوان ناظر و مجریان قانون به این امر فرا خوانند و از آنان بخواهند تا به اموری که معروف نامیده می‌شود عمل کنند. این‌گونه است که اسلام به مسئله معروف از جهاتی چند توجه کرده و به اشـــکال مختلف از آنان می‌خواهد تا به آن عمل کنند.

از یک سو به عنوان فضیلت اخلاقی و از ســـوی دیگر به عنوان حق اجتماعی جامعه و از سوی ســـوم به عنوان قانون می‌بایست مورد توجه قرار گیرد و کوتاهی از آن نه‌تنها موجبات مواخذه دنیوی را فراهم می‌آورد بلکه در آخرت مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. بیان داســـتان گروه‌ها و اقوامی که از امر به معروف خودداری کردند و یا خود به معروف عمل نکردند و عواقب شوم آن دامنگیرشان شد هشداری اســـت تا بر مجازات دنیوی و اخروی قانون گریزان تاکید شود.

جامعه‌ای که در آن امر به معروف به عنوان ملاک سنجش و ارزش مطرح است همواره رو به سوی تعالی است و هر دم برکات و نعمت بر آن نازل می‌شـــود و از سوی دیگر رحمت خاص خداوند شامل آنان می‌شـــود و نه‌تنها در آخرت رستگاری را در آغوش می‌کشند بلکه همه اختلافاتی که ریشه آن در نابهنجاری‌های اجتماعی است از میان می‌رود و به جای تفرقه و اختلاف وحدت برقرار می‌شود.

آثار امر به معروف

قرآن با اشاره به آثاری که برای عمل به معروف و یا آمران به معروف وجود دارد نشان می‌دهد که معروف در اشکال مختلف آن تا چه اندازه می‌تواند در ساخت انسان کامل و یا جامعه برتر و کامل در دنیا و آخرت نقش ایفا کند.

ورود به جرگه صالحان

از جملـــه آثاری که قرآن بـــرای امر به معروف بیان می‌کند قـــرار گرفتن در زمره صالحان اســـت. صالح کســـی است که خود به نیکی و نیکوکاری عمل می‌کند بنابراین تنها کســـانی می‌توانند به معروف امر کنند که خود بدان پایبند باشـــند. این‌گونه است که شخص از فعل به اسم می‌رسد و از اینکه گفته شود فلانی کاری نیک کرد می‌گویند فلانی نیکوکار است.

قرآن در آیه ۱۱۴ سوره آل‌عمران وقتی صالحان(نیکـــوکاران) را معرفی می‌کند به اموری چند درباره ایشان توجه می‌دهد که به جنبه‌های بینشـــی و نگرشی آنان مرتبط می‌شـــود. آنان را کسانی برمی‌شمارد که به خدا و روز رستاخیز اعتقاد دارند و به جهت همین باور نه‌تنها خود کارهای نیکو می‌کنند و معروف را عمل می‌کنند بلکه دیگران را نیز بـــه معروف امر می‌دهند و از آنان می‌خواهد کـــه در زندگی خویش بر پایه معروف رفتار کنند و به آموزه‌های شرعی و عقلی و سیره عقلایی عمل نمایند. این‌گونه است که صالح کسی است که نه‌تنها به فکر خود بلکه به فکر جامعه اســـت و به امر روشـــنگری و هدایـــت جامعه اهتمام می‌ورزد و در این راه از خود شـــجاعت و صبر نشان داده و امر به معروف می‌کند.

اگـــر جامعـــه‌ای بخواهد از حمایت‌هـــا و امدادهـــا و نصرت خـــاص خداوند بهره‌مند شود باید نه‌تنها خـــود به اعمـــال صالح و نیک فردی و اخلاقی اقدام کند بلکـــه جامعه را نیز به هنجارهای نیک دعوت کند.

برخورداری از عزم و صبر

به این ترتیـــب ارتباط تنگاتنگ معنایی میان امر به معروف و صبر و شـــکیبایی در آیات قرآن ترسیم می‌شود؛ زیرا تنها کسانی می‌توانند افزون بر عمل به معروف، دیگران را به معـــروف بخوانند و از آنـــان بخواهند کـــه رفتارها و کردارهـــای خویش را بر پایه آموزه‌هـــای شـــرع و عقل و ســـیره عقلایی تنظیم کنند که از شـــجاعت و صبر ویژه‌ای برخوردار باشـــند.(لقمان آیـــه۱۷) صاحبان عزم در تحلیل قرآنی که پیامبران اولوالعزم هســـتند، کسانی‌اند که دارای صبر بوده و به معـــروف امر می‌کنند. از امام علی(ع) روایت شده است که مقصود از: واصبر علی ما اصابک؛ در آیه ۱۷ سوره لقمان، صبر بر سختی‌های امر به معروف است(مجمع‌البیان ذیل آیه)؛ زیرا در برخورد با افرادی که به معروف عمل نمی‌کنند و حتی نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهند سختی و فشارهای بسیاری وارد می‌شود که تنها صاحبان عزم می‌توانند از عهده آن برآیند.

این‌گونه است که ورود به جرگه صالحان بسیار سخت است و یکی از راه‌های آن امر به معروف شمرده شده است. صالحان در تحلیل قرآنی کسانی‌اند که در صراط مستقیم قرار دارنـــد و از نعمت‌های خاص خداوند که در ســـوره حمد از آن یاد شده بهره‌مند بوده و از گروه مغضوبان و گمراهان رهایی می‌یابند.

جامعه‌پذیری

خداوند به اینان به عنوان مومنان خاص بشارت‌های خاص می‌دهد. در حقیقت ایمان واقعی در تحلیل قرآنی چنان‌که در آیه ۱۱۲ ســـوره توبه و نیز در سوره عصر بیان شده، تنها ایمان به خدا و حق و یا عمل به معروف و کارهای صالح و نیکو نیســـت بلکه ایمان واقعی و حقیقی زمانی شـــکل می‌گیرد که شخص کوشش کند آنچه را یافته و یا عمل می‌کند در جامعه گسترش دهد و دیگران را نیز به ایمان نیکو و عمل به کارهای معروف و نیک سفارش دهد.

اگـــر جامعه‌ای بخواهـــد از حمایت‌ها و امدادهـــا و نصرت خـــاص خداوند بهره‌مند شـــود باید نه تنهـــا خود به اعمـــال صالح و نیـــک فـــردی و اخلاقی اقـــدام کند بلکه جامعـــه را نیز به هنجارهـــای نیک دعوت کند. به ســـخن دیگر رهایی و عزت و اقتدار هـــر جامعـــه و تعالی و تکامـــل آن در گرو مســـئله جامعه‌پذیری است و امر به معروف از مهم‌ترین عوامل و راهکارهایی اســـت که جامعه‌پذیری سالم را تقویت و تثبیت می‌کند. (حج آیـــات ۴۰ و ۴۱)از ایـــن‌رو در دیدگاه قرآن جامعه برتر، جامعه‌ای اســـت که اصول جامعه‌پذیری در آن مراعات می‌شود و امر به معـــروف به عنوان ملاک برتری امت معرفی می‌شود. (آل عمران آیه ۱۱۰)

ایجاد همدلی و وحدت

جامعه برتر زمانی تحقق می‌یابد که امر به معروف و ملاک‌های جامعه‌پذیری مراعات شـــود و همه خود را موظف و مکلف بدانند که نه تنها خود به هنجارها عمل کنند بلکه دیگران را نیز بدان بخوانند. این‌گونه است که قرآن از امر به معروف به عنوان خیر کثیر یاد می‌کند و آن را عاملی مهم در جلب و جذب خوبی‌ها و نیکی‌ها در جامعه برمی‌شـــمارد. جامعـــه‌ای که در آن امر به معروف به عنوان ملاک سنجش و ارزش مطرح است همواره رو به ســـوی تعالی اســـت و هر دم برکات و نعمت بر آن نازل می‌شـــود (نساء آیه ۱۱۴) و از سوی دیگر رحمت خاص خداوند شامل آنان می‌شـــود (توبه آیـــه ۷۱) و نه تنها در آخرت رســـتگاری را در آغوش می‌کشـــند (آل عمـــران آیـــه ۱۰۴ و توبـــه آیه ۱۱۱ و ۱۱۲) بلکـــه همه اختلافاتی که ریشـــه آن در نابهنجاری‌های اجتماعی اســـت از میان می‌رود و به جـــای تفرقه و اختلاف وحدت برقرار می‌شود. (آل عمران آیه ۱۰۴ و ۱۰۵) به این معنا که قرآن رحمت الهی را زمانی بر جامعه ارزانی می‌دارد و الفت و محبت در میان افراد گسترش می‌یابد که مردمان تنها به فکر رهایی خود نباشند و با همدلی و همگراهی و همراهی بکوشند تا دستگیر دیگران بوده و آنان را نیز از خشـــم الهی در امان دارند. این مهم نیز جز با امر به معروف شـــدنی نیست.

وقتی هر کســـی دیگری را به خیر و معروف دعـــوت کند و از بدی و اختلاف و تفرقه باز دارد نوعی وحدت و انسجام قلبی و عملی در جامعه پدیدار می‌شود که مردم در سایه آن به عزت و کرامت و خیر کثیر دست یابند.

در ســـایه امر به معروف و نهی از منکر است که همدلی و همراهی جایگزین تفرقه و اختلاف می‌شـــود و زمینه حفظ جامعه و افراد آن از فشارهای دشمنان فراهم می‌آید و به جای اینکه شکســـت دامنگیرشان شود دشـــمنان دچار شکست شـــده و جامعه از فروپاشـــی مصون می‌شود، از این‌رو خداوند در آیـــه ۱۱۰ و ۱۱۱ ســـوره آل عمران امر به معروف امت مومن را مانع از شکســـت در برابر دشمن بر می‌شمارد و پیروزی را در گرو وحدت و امر به معروف می‌داند.

قرآن هشـــدار می‌دهد که فرار از معروف و ترک امر به معروف جز عدم نصرت خداوند و تفرقه و شکست حاصلی برای امت نخواهد داشت.

بـــر پایه این تحلیل قرآنی هر گونه ترک معروف بـــه معنای اختـــلاف در جامعه و شکست در برابر دشمنان و مخالفان خواهد بود. در این باره قرآن هشـــدار می‌دهد که با فـــرار از معروف و ترک امر به معروف چیزی جز عدم نصرت خداوند و تفرقه و شکســـت حاصلی برای امت نخواهد داشت.

این نکته در آخر مورد تاکید قرار می‌گیرد که امر به معروف از عمل به معروف دشوارتر و سخت‌تر است از این‌رو خداوند در آیه ۲۱ ســـوره آل عمران و نیز ۱۷ سوره لقمان به صبر در به امر به معروف سفارش می‌کند و مومنانی را که به خاطر آن به جرگه صاحبان عزم می‌پیوندند می‌ســـتاید تا ارزش و مقام والای امر به معروف را تبیین کند.

بنابراین بر همگان اســـت تـــا در امر به معروف صبر و شکیبایی را پیشه خود سازند، زیرا مخالفان و عاملان منکر و تارکان معروف راضی نمی‌شـــوند تا کسی آنها را به معروفی بخواند و حتی ممکن اســـت که کمر به آزار و یا قتل وی بندنـــد و او را از میان بردارند. (آل عمران آیه ۲۱) از این رو امر به معروف به عنوان امری فراتر از روشنگری و روشنفکری مطرح می‌شـــود و در مقام جهاد و ارزش و اعتبار آن می‌نشیند.

چراغ راه

جایگاه و منزلت فاطمه(س) و وابستگانش

قال النبی(ص): «فاطمه بهجة قلبی و ابناءها ثمرة فؤادی، و بعلها نور بصری، والائمه من ولدها امانتی و الحبل الممدود، فمن اعتصم بهم فقد نجی، و من تخلف عنهم فقد هوی».

پیامبر اکرم(ص) فرمود: فاطمه مایه ســـرور و شـــادی دل من اســـت، و فرزندانش میوه قلبم می‌باشند، و همسرش نوردیده من است، و امامان معصوم از فرزندانش امانت من می‌باشـــند، و ایشان چون ریسمانی محکم از جانب خداوند به سوی خلق خدا کشیده شده‌اند، هر کس به آنان چنگ زند و متوسل شود،نجات می‌یابد و هرکس از آنها تخلف و دوری نماید هلاک می‌گردد.[1]

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۴۳، ح ۹۵

حکایت خوبان

توسل به اهل بیت(ع)، نجات و دوری از آنها هلاکت است

جابرابن عبدالله انصاری نقل می‌کند: رســـول خدا(ص) فرمود: فاطمه(س) مایه سرور و شادی دل من است و فرزندانش میوه قلبم می‌باشند و همسرش نور دیده من اســـت و امامان معصوم از فرزندانش امانت من می‌باشند و ایشان چون ریســـمانی محکم از جانب خداوند به ســـوی خلق خدا کشیده شده‌اند، هرکس به آنان چنگ بزند و متوســـل شود، نجات می‌یابد و هرکه از آنها تخلف و دوری نماید، هلاک می‌گردد.[1]

۱- بحارالانور، ج ۲۳، ص ۱۴۳، ح ۹۵

پرسش و پاسخ

ابعاد شخصیتی حضرت فاطمه(س)

پرسش:

حضرت فاطمه(س) به لحاظ شخصیتی و الگو بودن برای زنان عالم دارای چه ابعاد شخصیتی بوده و آیا این ویژگی‌ها برای همه انسان‌ها به ویژه بانوان قابل تحصیل و دستیابی است؟